

علما
و
انقلاب مشروطیت ایران

لطف‌الله آجدانی



نشر اختران

فهرست مطالب

مقدمه	۷
فصل اول - درآمدی بر اندیشه‌ی سیاسی و موقعیت علما در عصر قاجاریه	۱۳
فصل دوم - نظریه‌ی حکومت از دیدگاه علما در عصر مشروطیت ایران	۳۹
فصل سوم - رویارویی‌های سیاسی علما در انقلاب مشروطیت ایران	۶۵
فصل چهارم - روابط علما و روشنفکران در انقلاب مشروطیت ایران	۱۰۵
فصل پنجم - شیخ فضل‌الله نوری و مشروطه‌ی مشروعه	
از پندار تا واقعیت	۱۳۱
فصل ششم - علما و اندیشه‌ی آزادی‌خواهی در عصر مشروطیت ایران	۱۵۸
فصل هفتم - علما و اندیشه‌ی اصلاحات دینی در عصر مشروطیت ایران	۱۸۵
منابع و مراجع	۲۱۳
تعمیه	۲۲۰

فصل اول

درآمدی بر اندیشه‌ی سیاسی و موقعیت علما در عصر قاجاریه

ساختار و مبانی اندیشه‌ی سیاسی علمای شیعی در تاریخ قرون میانه‌ی ایران و تداوم و تحول بسیاری از عناصر فکری علمای شیعه در عصر قاجاریه و مشروطیت، با میراث کهن و سنتی تلقی شیعه از اصول اعتقادی انحصار حق حکومت امام معصوم (ع) در جامعه اسلامی و غاصب انگاشتن هر نوع حکومت غیر معصوم در زمان غیبت و انتظار آرمانی ظهور و رجعت امام غایب و تشکیل تنها حکومت عدل جهانی در آخر زمان، در ارتباط و پیوند تنگاتنگی قرار داشت. هرچند اندیشه‌ی غاصب انگاشتن هر نوع حکومت در زمان غیبت امام معصوم (ع) به طور نظری به انکار مشروعبیت و نفی حقانیت وضع موجود انجامید، اما نتایج عملی آن نتوانست فراتر از محدوده‌ی بعضی منازعات سنتی گروه‌هایی از جامعه و علمای شیعه با حکومت‌های موجود، جنبه‌ی بنیادی به خود بگیرد و به مبارزه‌ای فعال، گسترده و منظم در جهت سرنگونی حاکمیت‌های موجود و تشکیل حکومت مستقل شیعی به وسیله و یا رهبری علمای شیعه بینجامد.

بدون تردید، در اقلیت قرار داشتن شیعیان در قرون اولیه‌ی تاریخ اسلام، و ایران بعد از ورود اسلام، و تداوم تاریخی سلطه و سیطره‌ی اهل

سنت در زمان حاکمیت و قدرت سلسله‌های سنی‌مذهب در ایران که غالباً با سرکوبی، تعقیب و آزار شدید شیعیان توأم بوده است، بعضی از چشم‌اندازهای شرایط نامساعد سیاسی و اجتماعی پیش روی علمای شیعی بود که از بیرون، بر علمای شیعی فشار می‌آورد و موقعیت آنان را به چالش می‌گرفت. اما دلایلی وجود دارد که نشان می‌دهد هرگونه تلاش مبالغه‌آمیز برای محدود کردن علل و عوامل بازماندن علمای شیعی از تشکیل حکومت، به شرایط نامساعد سیاسی و اجتماعی که از بیرون از جامعه‌ی شیعی به شیعیان و علمای شیعی تحمیل می‌شد، از آن رو که فقط بخشی از واقعیت را توضیح می‌دهد و نه همه‌ی آن را، خالی از ساده‌اندیشی و بدفهمی تاریخی نیست.

کارکردها و محدودیت‌های ناشی از فشار و تحمیل عوامل و موانع بیرونی بر جامعه‌ی شیعی و علمای شیعه، هنگامی می‌توانست از نقش تعیین‌کننده و اصلی برای جلوگیری از ایجاد حکومت شیعی به رهبری علمای شیعه برخوردار باشد که بتوان اثبات کرد ایجاد یک حکومت شیعی به رهبری علما در زمان غیبت امام معصوم (ع) از مطالبات سیاسی و اجتماعی علمای شیعی ایران بوده است. در حالی که در تلقی سنتی علمای شیعی از مفهوم و ماهیت حکومت در زمان غیبت امام معصوم (ع) و نیز مطالبات سیاسی و اجتماعی آنان، هدف و تلاش برای تشکیل یک حکومت مستقل شیعی به وسیله و با رهبری علمای شیعی جایگاه چندانی نداشت.

در واقع، محروم ماندن علمای شیعی از به دست گرفتن حکومت و قدرت سیاسی، پیش و بیش از عوامل مؤثر بیرونی، از عامل تعیین‌کننده‌ی درونی ریشه‌دار در ماهیت تفکر سیاسی آنان، به‌ویژه در تأویل علما از اصل غضب حکومت در زمان غیبت برمی‌خاست. از آن جا که در تفسیر اولیه و سنتی علمای شیعی از مسئله‌ی غضب حکومت در

انجامید.

عدم تمایل علما به تشکیل حکومت از یک سو، و انکار نظری حقانیت وضع موجود از سوی دیگر، نتایج دوگانه و متناقضی بود که ریشه‌ی مشترکی داشت: «اصل غاصب انگاشتن حکومت در زمان غیبت امام معصوم (ع)». تقابل و تناقض نتایج دو گانه‌ی این اصل از نتایج عملی اصل نظری نامشروع بودن حکومت‌های موجود کاست و نقش سیاسی علما در مبارزات سنتی علیه حکومت را در چارچوب کارکردهای دوگانه‌ی انکار نظری حقانیت وضع موجود از یکسو و عدم تمایل به تشکیل حکومت از سوی دیگر، تحت فشار قرار داده و محدود می‌ساخت.

اعتقاد به لزوم تقیه و آشکار نکردن اندیشه‌ها و تمایلات واقعی شیعه - که خود محصول فشار نظام حکومتی و شرایط سیاسی جامعه به شمار می‌آمد - پیوند مالی بعضی از علما با حکومت و دربار، باورمندی و ادعای گروهی از علما به اشتراط عصمت در حاکم^۱ و حرمت قیام در زمان غیبت امام معصوم (ع)^۲ از جمله مهم‌ترین عواملی بود که محدود بودن نقش علما را در برابر وضع موجود تشدید می‌کرد. مواضع محافظه‌کارانه‌ی علما و روحانیان در برابر وضع موجود، از رهگذر مصلحت‌گرایی سیاسی آنان در لزوم همکاری با سلاطین، به ویژه سلاطین و حکومت‌هایی که داعیه‌ی حمایت از تشیع را نیز داشتند، با هدف